



به مناسبت سی و هفتمین سالروز درگذشت دکتر محمد معین

## یاد استادی متن شناس



محمد معین (۱۲۹۷ - ۱۳۵۰ ش)

ای آنکه غمگنی و سزاواری  
 و ندر نهان سرشک همی باری  
 رفت آنکه رفت و آمد آنک آمد  
 بود آنچه بود خیره چه غم داری  
 هموار کرد خواهی گیتی را  
 گیتی است کی پذیرد همواری  
 مُستی مکن که نشنود او مُستی  
 زاری مکن که نشنود او زاری  
 شو تا قیامت آمد زاری کن  
 کی رفته را به زاری باز آری...  
 اندر بلای سخت پدید آید  
 فضل و بزرگمردی و سالاری!  
 ابعاد زندگانی دکتر معین راست و روشن است:  
 ۱. استادی معلم و معلمی استاد. در نهایت وقار و

صلابت! چیره و مسلط! درود و آغاز: بخوانید! طنین  
 صوتش خوش و فرمانروا بود و استوار، و در استواری  
 مهربان و عطف! دشواریهای ضرور را باز می شکافت از  
 زوایای گوناگون، لغت و ریشه آن. در فقه اللغه چیره دست  
 و مبتکر بود. آفتاب آمد دلیل آفتاب: تصحیح و تحشیه  
 برهان قاطع! برهان قاطع در فرهنگ نگاری نمونه ای  
 برگزین نیست، ولی حواشی معین از آن برهانی نو ساخت  
 استوار و بی مانند، مورد تأیید بزرگان دانشوران: ایرانی و  
 ایرانی. دهخدا و بهمنیار و نفیسی؛ امیل بنونیست و والتر  
 برونو هنینگ و ...

۲. استاد ما متن شناسی چیره دست و کم مانند بود. جای  
 سخن و بسط و توضیح نیست: آثار او نمونه وار است:  
 دو نمونه کم برگ وزین: برگزیده شعر فارسی، بخش  
 ۱: دوره صفاریان، طاهریان، سامانیان، آل بویه (قرنهای  
 سوم و چهارم هجری) با شرح لغات و عبارات مشکل  
 و توضیح نکات ادبی و مقایسه. و دیگر: برگزیده نثر  
 فارسی، بخش ۱: دوره های سامانیان و آل بویه (قرنهای  
 چهارم و پنجم هجری). با شرح لغات و عبارات مشکل  
 و توضیح نکات ادبی؛ و از متنهای استوار پربزرگ، چهار  
 مقاله، تألیف احمد بن علی نظامی عروضی سمرقندی.  
 با تصحیح مجدد و شرح لغات و عبارات و توضیح  
 نکات ادبی به ضمیمه تعلیقات علامه محمد قزوینی و  
 گروهی از فاضلان بنام، بیش از ۷۵۰ برگ؛ شرح قصیده  
 فارسی خواجه ابوالهیثم... جرجانی - قرنهای چهارم و  
 پنجم هجری - مقدمه فارسی و فرانسوی با همکاری  
 پروفیسور هانری کربن؛ بخشهایی از جوامع الحکایات و  
 لواع الروایات عوفی؛ و عبهر العاشقین شیخ روزبهان بقلی  
 شیرازی با مقدمه فارسی و فرانسه و ترجمه فصل اول به  
 زبان فرانسوی با همکاری پروفیسور کربن و...  
 بی گمان ادب شناسان از رساله دکترای ایشان،  
 «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی» که با نام مزدیسنا  
 در ادب پارسی در دو مجلد از سوی دانشگاه تهران مکرر  
 به چاپ رسیده است، آگاهاند؛ دیگر اثر استاد شادروان  
 تحلیل هفت پیکر نظامی. بخش اول که دانشگاه تهران به  
 سال ۱۳۳۸ ش به چاپ رسانیده و طرفه ای بسیار دلواویز  
 و نکته آموز است و شایان یاد است؛ دانشنامه علائی از  
 ابوعلی سینا در دو دفتر و ...  
 ۳. شادروان دکتر محمد معین دستوردان و

گرامرشناسی نمونه و گزین بود. مجموعه‌ای را که استاد فقید ما به عنوان «طرح دستور زبان فارسی» بنیاد نهاده بود اگر به پایان می‌برد، بی‌کمترین مبالغه می‌توان گفت بغرنج دستور زبان فارسی تا امروز گشوده شده بود: با دریغ این مجموعه بی‌بها نیز ناتمام ماند، و از این شمار است: قاعده‌های جمع در زبان فارسی (۱۳۳۱)، اسم مصدر، حاصل مصدر (۱۳۳۲)، اضافه (بخش نخست: ۱۳۳۲، بخش دوم: ۱۳۳۴)، مفرد و جمع و معرفه و نکره، تکمیل و تتمیم دگرسان همان رساله یادشده پیشین که از ۷۲ برگ به ۳۱۰ برگ رسیده بود. چاپ دوم اضافه که می‌توان گفت کتابی دیگر و مکمل است. و نیز اسم مصدر - حاصل مصدر (با تجدید نظر) و اسم جنس - معرفه و نکره، آن نیز با تجدید نظر.

دانشوران ادب‌شناس عنایت دارند که ستون علمی ادبیات، دستور زبان است و با بسیار کوششها که به کار رفته، ما تا امروز دستور زبانی معیار و گزین نداریم؛ و البته دستور زبان فارسی به روش نوین شادروان دکتر خانلری که با همکاری مؤثر و اثرگذار شادروان دکتر مصطفی مقربی - که به راستی از دستوریان شایسته بود - و دکتر مجتبابی، آخرین کار به شیوه علمی و پسندیده است که در دست است، مکمل آثار استادان فقید قریب و بهار و فروزانفر و همایی؛ و کسروی و دکتر خیام‌پور و پروین گنابادی و سید احمد خراسانی و ادیب طوسی و دکتر منصور شکی، و حاضرانی که عمرشان بردوام چون دکتر علی‌اشرف صادقی و دکتر وحیدیان کامیار و دکتر شریعت و دکتر نجفی و دکتر مشکوة‌الدینی و... که در این زمینه اهتمام می‌ورزند.

۴. فرهنگ‌نویس. متن‌شناسان و دانشوران فرهنگ‌پژوه می‌دانند که ما فرهنگهایی به زبان پهلوی چون فرهنگ اوییم داشته‌ایم و... شمار فرهنگهای فارسی از آغاز اعتلای فارسی دری با لغت فرس اسدی توسی شروع می‌شود و شمار آن اینک افزون بر ۲۲۰ است، با اهتمام ارجمند لغت‌نویسانی که به نگارش فرهنگهای دوزبانه فارسی و تازی روی آوردند و جملگی ایرانی بودند چون البلغة حبیش تفلیسی و فرهنگ ابوالفضل بیهقی و مصادر زوزنی که در سده پنجم، و این فرهنگها عموماً دستگاهی (thematyine) هستند، استاد شادروان ما - دکتر معین

- با تجربیات سودمند و آموزنده که از همکاری با علامه فقید دهخدا در لغتنامه آموخته بوده، بر آن شد فرهنگی - و به‌درستی، فرهنگهایی - روزینه و کارساز تألیف کند. شش ماهی که به استادی دانشگاه سوربن - مدرسه تبعات عالیه - پاریس مدعو بود، در مؤسسه لاروس، نامدارترین فرهنگ زمانه، به بررسی و مذاقه پرداختند و با توشه‌ای وافی کار فرهنگ‌نویسی خود را در معیارهای چنگ‌گونه آغاز کردند.

نخستین دفتر فرهنگ معین در ۱۳۴۲ش در ۱۰۵ صفحه مقدمه، و ۱۴۷۲ صفحه متن حرفهای آ - خ منتشر گردید. استاد فقید ما در مقدمه به‌کوتاهی و استواری از منابع زبان فارسی، زبانهای کهن ایرانی، مادی، پارسی باستان و اوستایی، و ایرانی میانه (پارتی، مانوی، پارسی، سغدی، ختنی، خوارزمی) و زبانهای کنونی ایرانی (فارسی، دری، استی، پشتو، بلوچی، کردی و...) یاد کرد و تعریفی رسا بیان داشت؛ و سپس از عناصر اصلی زبان فارسی که به زبان فارسی لغت داده‌اند، سخن گفت و درباره کیفیت فارسی دری و لغاتی چون هندی و ترکی و مغولی و اروپایی که وارد زبان فارسی شده‌اند توضیح داد.

شیوه حروفنگاری فرهنگ با آوانگاری (transcription) است و بسیار راهگشا؛ سپس وجه دستوری واژه بیان می‌شود، و این برتری مسلم است که فقط دکتر معین شایستگی داشت سیصد هزار واژه را با وجه دستوری آن ارائه دهد. مصوربودن کتاب بی‌گمان زاینده ابهامها است. از دیگر بخشهای کتاب، ترکیبات خارجی است که کارساز و گره‌گشا است: «اباً عن جد»، لغت نیست، ترکیب است و در فرهنگها جایی ندارد یا «باقیات الصالحات» یا «سانتیگرم»؛ دو دفتر پایانی فرهنگ، بخش اعلام است. خود دانشنامه‌ای کوچک و سودمند است: «آئیسیوس»، سردار رومی... «آباء سبعه»، «آباء کنیسه»، «آباده» از شهرستان استان فارس.

البته هر اثری از سوی هر کسی خالی از خطا و اشتباه نیست. درست به خاطر می‌آورم پس از انتشار فرهنگ معین به دیدارشان رفتم و تبریک گفتم و شادی نمودم. خدا می‌داند که آب در دیده گردانید و گفت اگر توفیق بازنگری بیابم شکرگزار خواهم بود، دریغا که مجال نیافتند؛ اگر نه شیوه نگارش همزه - که در زبان فارسی



## ویراستار تهرانی!!

چندی پیش با دعوت یکی از دانشگاه‌های شهرستان‌ها برای شرکت در سمیناری به آنجا رفته بودم، یکی از روزها در ویتترین اعلانات رسمی دانشکده ادبیات چشمم به یک آگهی برای استخدام ویراستار به منظور ویرایش کتابی مفصل در علوم قرآنی افتاد.

ابتدا مردد ماندم، شاید تصور کردم که آگهی را خوب ندیده و نخوانده‌ام، بار دیگر آن را مرور کردم، چون از هر حیث جلب نظر می‌کرد، کپی آن را برداشتم تا خواننده گزارش میراث هم همانند ما از مطالعه آن لذت ببرد.

از دانشجویان رشته زبان و ادبیات عرب و علوم قرآنی که تخصص در ویرایش فنی و علمی دارند برای همکاری در زمینه ویرایش یک کتاب دو جلدی در زمینه واژگان هم معنا در قرآن دعوت به عمل می‌آید. عزیزانی که در این زمینه تخصص دارند می‌توانند با شماره زیر تماس بگیرند. لازم به ذکر است که تنها عزیزان تهرانی می‌توانند همکاری کنند و همچنین کسانی که همکاری نمایند به عنوان ویرایشگر اسم آنها بر روی جلد کتاب درج خواهد شد.

چنانکه ملاحظه می‌فرمایید، شرایطی که برای ویرایش یک متن مفصل در زمینه علوم قرآن و واژگان آن در نظر گرفته شده به قرار زیر است:

۱. ویراستار الزاماً باید دانشجوی باشد.
  ۲. ویراستار باید دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب و علوم قرآنی باشد.
  ۳. تخصص داشته باشد [خود او لابد معین می‌کند که حائز این شرط است].
  ۴. حتماً و الزاماً تهرانی باشد.
  ۵. اسم وی بر روی جلد کتاب درج خواهد شد.
- سردبیر محترم! این آگهی را لطفاً در نشریه عیناً چاپ کنید، مطمئن باشید که صدها و شاید هزارها دانشجوی تهرانی اصیل خود را نامزد این کار خواهند کرد و پس از ویرایش و چاپ و نشر اثر، مؤلف و ناشر کتاب را قرین افتخار خواهند نمود.

سید علی آل داوود

گونه‌گون است و از موارد اختلاف سلیقه: در جلد اول: ب‌اس، ب‌راثت، تأثیر. به گمان بنده املاء بر مبنای کرسی الف و ؟ و یا درست‌ترین است: ب‌اس، پس از باس، ب‌راثت را پیش از برابر آورده‌اند که باید پیش از برات بیاید؛ یعنی صورت ردیف بر مبنای حروف الفبای مکتوب در واژه است.

از فرهنگهایی که شادروان معین در کار آن بجد بود، فرهنگ ریشه‌شناسی (etymology) بود، فرهنگی که بر اساس وجه اشتقاق و ریشه و بن آن مطرح می‌شود، که نمونه‌های درخشان آن را خواننده نکته‌یاب در حواشی برهان قاطع مصحح آن شادروان می‌بینند.

و دیگر فرهنگ فارسی از لحاظ تاریخ استعمال لغتها، که نمونه گویای آن را پس از سالها بنیاد فرهنگ ایران به سال ۱۳۵۷ش منتشر ساخت، و طرح و بررسی آن از سوی استاد شادروان مجتبی مینوی و شادروان دکتر خانلری و استاد گرامی دکتر محسن ابوالقاسمی سالها در دست بررسی بود تا به پاییز ۱۳۵۷ با نام فرهنگ تاریخی زبان فارسی (بخش اول: آب) منتشر گردید.

مقصود از فرهنگ تاریخی، بررسی متنهای کهن فارسی شعر و نثر از کهن‌ترین زمان‌های زبان است و این دفتر که حاوی بررسی‌های سیزده متن سده سوم تا پایان دوره سامانی است، در شعر اشعار پراکنده قدیمترین شعرای فارسی زبان تدوین و ترجمه پروفیسور ژیلبر لازار است و از حنظله باد غیسی تا دقیقی را شامل است، و مراد از آن سیر و گردش معانی هر واژه است به مثل واژه «شوخ» که در مقدمه شاهنامه ابومنصوری می‌گوید: سپهسالار خراسانی مردی شوخ و سهمگن بود، و در سده ششم در اسرارالتوحید آمده: شیخ، به گرمابه شد تا شوخ از تن به در کند. اندکی سپستر: شوخ چشم سعدی.

این فرهنگ سودمند و بی‌مانند تا حرف «دال» آراسته و آماده چاپ شده بود، و به امضای دو ناظر عالم و استاد و شادروان مجتبی مینوی و شادروان محمد پروین گنابادی رسیده بود. دریغا که دانسته نیست چرا از ادامه چاپ این اثر نمونه‌وار بازماندند؟!

عمر کوتاه دکتر معین راه بلند آثار علمی او را یکباره بریست، و این دریغاگویی برای دوستداران زبان فارسی همواره بجاست. دریغا، دریغا.

محمد روشن